

Emergence of the resistance axis and structural analysis of related issues, from the perspective of Strategic foresight

Mohammad Rahim Eivazi

Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies,
Shahed University, Tehran, Iran.
(ra.eivazi@yahoo.com)

Mohammad Hadi Ghasemi

Corresponding Author: PhD Student in Futures Studies, Supreme National
Defense University and Strategic Research, Tehran, Iran.
(mh.ghasemi110@ut.ac.ir)

Abstract:

Since the beginning, Islamic Republic of Iran, according to its essential ideological principles and with the sanctioned support of its Constitution, has always sought material and spiritual aid to Islamic resistance and liberation movements; and has consequently incurred many costs in this direction. The successes of the Lebanese Islamic Resistance against the Zionist regime, the formation of a popular mobilization in Iraq to confront the terrorist group ISIS, the intellectual and political growth of the West Asian nations in recent years; regional demands tied to ideals such as independence, justice, and Islamism; dealing with interventionist powers; as well as the rise of the Islamic awakening of the oppressed people in countries such as Bahrain, Yemen, Palestine, Syria, etc.; have all provided a critical opportunity to thoroughly analyze the emergence of the resistance front and its reasons. This study discusses intellectual foundations in the field of foreign policy, and examines the components of this front, from the perspective of strategic foresight and its related tools. By employing strategic foresight methods, through environmental scanning, the phenomena and issues related to emergence of the resistance front have been identified, and priorities of these issues have been categorized. Finally, by utilizing cross impact analysis

method and MicMac software, key factors and their direct and indirect effects of assessment are evaluated. Hence, the most important issues related to the emergence of the resistance axis are investigated.

Keywords: Resistance Front, Islamic Republic of Iran, National Security, Strategic Foresight, Structural Analysis

چرایی پیدایش محور مقاومت و تحلیل ساختاری مسائل مرتبط از منظر آینده‌نگاری راهبردی

محمد رحیم عیوضی

استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
ra.eivazi@yahoo.com

محمد هادی قاسمی

نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات
راهبردی، تهران، ایران.
mh.ghasemi110@ut.ac.ir

چکیده

جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای پیدایش مطابق با اصول مکتبی خود و با پشتیبانی قانون اساسی، همواره به دنبال حمایت مادی و معنوی از جریان‌های مقاومت اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش بوده و در این مسیر متحمل هزینه‌های بسیاری شده است. موفقیت‌های مقاومت اسلامی لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی، شکل‌گیری بسیج مردمی (حشدالشعبی) در عراق برای مقابله با گروه تروریستی داعش، در کنار رشد فکری و سیاسی سال‌های اخیر مردم کشورهای منطقه غرب آسیا و گره خوردن مطالبات ایشان با آرمان‌هایی چون استقلال طلبی، عدالت‌جویی، اسلام‌خواهی، کوتاه کردن دست قدرت‌های مداخله‌گر از منطقه، در کنار خیزش بیداری اسلامی مردم ستمدیده در کشورهایمانند بحرین، یمن، فلسطین، سوریه و ... همگی فرصت مناسبی را فراهم آورده است تا بتوان با نگاهی ژرف‌تر، به تحلیل چرایی و پیدایی جبهه مقاومت و مبانی فکری آن در حوزه سیاست خارجی پرداخت و از منظر آینده‌نگاری راهبردی و ابزارهای مرتبط با آن، مؤلفه‌های این جبهه را بررسی کرد. در این پژوهش با استفاده از روش‌های آینده‌نگاری راهبردی، در ابتدا از طریق پویش محیطی به شناسایی پدیده‌ها و مسائل مرتبط با چرایی و پیدایی جبهه مقاومت پرداخته و پس از آن با بهره‌جویی از نظر خبرگان، اولویت‌های مهم این مسائل دسته‌بندی شده است و در پایان به کمک روش تحلیل تأثیر متقابل و نرم‌افزار

«میک‌مک»، عوامل کلیدی اثرگذار و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها ارزیابی و مهم‌ترین مسائل مرتبط با چرایی و پیدایی محور مقاومت بررسی شده است.
واژگان کلیدی: جبهه مقاومت، جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، آینده‌نگاری راهبردی، تحلیل ساختاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۰۷

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی، نماد اراده و پایداری ملت ایران و نقطه عطف جریان مقاومت در دهه‌های اخیر است. گفتمان تولیدشده در انقلاب اسلامی با هدف کسب منزلت و استقلال ملتها و زیستن در سایه صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، آموزه‌های مقاومت را تعلیم داده و استوار کرده است. امروز با دقت در سرنوشت مقاومت ملتها در برابر تجاوز و اشغال و خشونت، کارنامه موفق و دستاوردهای بسیاری مشاهده می‌شود. وضعیت کنونی منطقه نماد پیروزی عظیمی برای کشورهای اسلامی است که انگیزه پیمودن راه آینده را ارتقا می‌بخشد. جمهوری اسلامی ایران که با تأسی به فرهنگ دینی مقاومت، توانست مراحل پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب را با هزینه‌های بسیاری سپری کند، اکنون به نماد مقاومت منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است و مروری بر دستاوردهای چند دهه حضور ایران و محور مقاومت در مقابل تجاوز و سلطه، نشانه‌های امیدوارکننده‌ای را به نمایش می‌گذارد. باورپذیری ملتها به استقلال خواهی و دفع سلطه به ادبیات فراگیری بین ملتها تبدیل شده است. شکست سیاست‌های آمریکا و حامیان آن در منطقه استراتژیک غرب آسیا و حومه و شکل‌گیری مداوم نیروهای مقاومت در مناطق مختلف از نتایج اراده بر استقرار محور مقاومت است (عیوضی، ۱۳۹۹).

اکنون که بیش از چهار دهه از انقلاب بزرگ اسلامی ایران می‌گذرد، در طی این مدت جمهوری اسلامی در چارچوب یک نگاه کاملاً واقع‌گرایانه و منطقی، بزرگ‌ترین حامی نهضت‌های آزادی‌بخش جهان و مشخصاً محور مقاومت و گروه‌های مبارز فلسطینی و حزب‌الله لبنان بوده است. در حقیقت انقلاب اسلامی ایران نه تنها به نهضت‌های استکبارستیز منطقه و جهان از جمله محور مقاومت حیات دوباره بخشیده، بلکه بازتولید و گسترش این گفتمان را همچنان وجهه همت خود قرار داده است. گفتمان حمایت از مستضعفان جهان، در عین خودداری از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر که در قانون اساسی ایران آمده، امر بدیع و بی‌نظیری است که در قانون اساسی هیچ کشور دیگری مشابه ندارد (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۴).

بنابراین، در شرایط و اوضاع کنونی، گفتمان انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و به‌ویژه منطقه غرب آسیا، در عرصه عملیاتی در قالب جبهه یا محور مقاومت بیش از هر زمانی تجلی‌یافته و از این‌رو گفتمان‌های دیگر مثل جریان‌های سلفی تکفیری با شکست‌های پی‌درپی، یکی پس از دیگری، صحنه زورآزمایی با گفتمان اصلی انقلاب اسلامی ایران مبنی بر حمایت از محور مقاومت را ترک کرده یا باگذشت زمان از مبانی خود زاویه گرفته و رو به اضمحلال رفته‌اند (شاهقلیان قهفرخی و سلیمانی، ۱۳۹۹).

به دنبال ناکامی ایالات متحده آمریکا در پیشبرد طرح خاورمیله بزرگ، چهره جدیدی در منطقه شکل گرفت که همچنان شامل دو محور است. محور اول را «سازش» شکل می‌دهد و شامل کشورهایی است که سیاست خارجی آن‌ها بر اساس تعامل با سیاست خارجی ایالات متحده شکل گرفته است و محور دوم را «مقاومت» شکل می‌دهد که متحدان و جنبش‌های همسو با جمهوری اسلامی ایران در این طیف جای می‌گیرند. سوریه، گروه‌های مقاومت در لبنان، فلسطین به‌طور خاص و عراق این محور را تشکیل می‌دهند. شکل‌گیری این محور با ابداع هلال شیعی از سوی پادشاه اردن و سران اقتدارگرای حاشیه خلیج فارس همراه بوده است. پیش از این نیز عربستان در واکنش به آنچه تهدید انقلاب اسلامی می‌خواند، شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل داده بود (شاهقلیان قهفرخی و سلیمانی، ۱۳۹۹).

در واپسین ماه سال ۲۰۱۹، مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IIS) در گزارشی مطرح کرد که ایران توانسته با به‌کارگیری راهبرد «صرف منابع حداقلی و جذب منافع حداکثری» از خاکسترهای منطقه جنگ‌زده خاورمیله، پیروز بیرون

بیاید و با وجود در اختیار داشتن رهنامه نظامی - دفاعی، بودجه لندک نظامی در قیاس با واشنگتن و ریاض، نتیجه بازی و درگیری ژئوپلیتیک منطقه را به نفع خود پیش برد. نتیجه جالب و انتهایی گزارش این است: «جمهوری اسلامی ایران توانسته است توازن نفوذ مؤثر در خاورمیانه را به سود خود تغییر دهد» (IISS, 2019). با این وضعیت باید تأملاتی جدی در خصوص آینده محور مقاومت انجام شود و آینده‌نگاری راهبردی و پژوهش‌هایی مانند پژوهش حاضر می‌تواند به‌خوبی پاسخگوی این نیاز باشد. آینده‌پژوهی، آینده را حاصل از برهم‌کنش روندها، رویدادها، تصاویر و اقدامات می‌داند و شاید هیچ عاملی به‌اندازه تصویرسازی در شکل‌گیری و تحقق آینده مؤثر نخواهد بود، پس به نظر می‌رسد یکی از اولویت‌های جبهه استکبار ارائه تصویری غیرواقعی از جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است.

بنابراین با استفاده از آینده‌پژوهی می‌بایست تصویرسازی‌های درست و منطقی از آینده منطقه داشت و با تبیین درست وضعیت آینده غرب آسیا، درک بهتری از آینده ایجاد کرد. در این پژوهش سعی شده با استفاده از رویکرد و امکاناتی که آینده‌نگاری راهبردی فراهم می‌کند، شناسایی مسائلی و پدیده‌های مرتبط با جبهه و محور مقاومت انجام و بستری برای پژوهش‌های آتی و علاقه‌مندان به این موضوع فراهم شود تا با استفاده از نتایج آن ضمن درک چرایی و پیدایی محور مقاومت، عوامل کلیدی اثرگذار و پیشران‌های مؤثر بر آن را شناخته و تحلیل‌های کامل‌تری نسبت به موقعیت جمهوری اسلامی، منافع و چالش‌های آینده آن در حمایت و راهبری محور مقاومت تهیه نمایند.

۲. وجوه اشتراک چرایی و پیدایی محور مقاومت در بین کشورهای مرتبط با آن

با توجه به تنوع کشورهای حاضر در محور مقاومت چه در نقش اصلی و چه در نقش حمایتی و تنوع ویژگی‌های زبانی، نژادی و هویتی ایشان، منافع مشترک باعث می‌شود این زنجیره به شکلی متصل و محکم تداوم داشته باشد. این اشتراک در منافع را می‌توان در ابعاد مختلفی تحلیل کرد؛ به‌عنوان مثال در بُعد سیاسی، قدرت امتیازگیری و چانه‌زنی را برای محور مقاومت در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل و ... افزایش خواهد داد. در بُعد اقتصادی، با عقد قراردادهای تبادل کالا و پول می‌تواند این محور مستقل از دلار و محدودیت‌های مالی و شبکه‌های بانکی خارجی به تجارت بپردازد و با توجه به ظرفیت بسیار بالای این منطقه و منابع سرشار آن مانند معادن

و ذخایر سوخت و انرژی، شکل‌گیری تعاملات اقتصادی به تقویت شدیدتر محور و ریشه‌دار کردن بیشتر آن منجر خواهد شد.

در بُعد امنیتی و نظامی با تقویت توان دفاعی در مقابل دشمنان مشترک، حلقه امنیتی محکم‌تری ایجاد خواهد شد و امنیت پایداری برای منطقه رقم خواهد خورد. در بُعد فرهنگی تنوع زبان، نژاد و دین در این جبهه مشهود است و در این خصوص بایستی بر روی مشترکاتی مانند قبله، کتاب و توحید تأکید کرد و از فرقه‌گرایی و درگیری‌های قومی و مذهبی که تهدیدی برای انسجام این جبهه است پرهیز کرد. در بُعد مدیریتی هم نخبگان و رهبران این جبهه با تعاملات بیشتر و سیاست‌های همسو می‌توانند هم‌افزایی بیشتری داشته باشند و اهداف محور مقاومت را سریع‌تر از قبل محقق کنند.

۳. پیشینه پژوهش

مطابق با بررسی‌های انجام‌شده و مطالعات اسنادی صورت گرفته درباره موضوعاتی که به شکلی با بخش‌هایی از این پژوهش مرتبط بوده‌اند، مواردی شناسایی شد که اهم این یافته‌ها به صورت خلاصه به همراه چکیده‌ای از مباحث مطرح، در قالب پیشینه تحقیق و در جدول ۱ قابل مشاهده است. گفتنی است با توجه به رویکرد مدنظر پژوهشگران در مقاله حاضر و توجه به آینده‌های بدیل پیش روی محور مقاومت و وضعیت آینده حکمرانی منطقه غرب آسیا، بیشتر موارد شناسایی شده به زبان فارسی است و در منابع انگلیسی، پژوهش یا اثر قابل توجهی یافت نشد که ضمن به رسمیت شناختن محور مقاومت برای چیستی و چرایی آن تحلیلی ارائه داده باشد. دو مورد از این آثار در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

ردیف	پژوهشگران	عنوان اثر	سال نشر	اهم مباحث
۱	محسن نوروزی، داوود فیاضی، حامد سیف	آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی عراق و لبنان	۱۴۰۰	این مقاله ضمن بررسی عوامل مؤثر بر محور مقاومت ضمن تحلیل ساختاری، به تبیین وضعیت آینده آن با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی اخیر عراق و لبنان پرداخته است.
۲	محمدرحیم عیوضی	شناخت‌شناسی منافع متقابل در محور مقاومت	۱۳۹۹	پژوهشگر با ارائه شواهد حقوقی در قانون اساسی پیرامون سیاست خارجی

<p>جمهوری اسلامی ایران به بررسی مفهوم مقاومت در آموزه‌های دینی و اعتقادی شیعه پرداخته است. در ادامه منابع قدرت و پیشران‌های عرصه مقاومت، منافع و فرصت‌های موجود در آن‌ها تشریح نموده و در پایان ایده خزان آمریکایی را در منطقه غرب آسیا مطرح کرده است.</p>				
<p>این مقاله با استفاده از روند پژوهی، آینده جبهه مقاومت و بازیگران مؤثر در آن را تشریح کرده است.</p>	۱۳۹۹	<p>آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی</p>	<p>محمدصادق کوشکی و سید مهدی نبوی</p>	۳
<p>پژوهشگران با روش توصیفی و پیمایشی به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی پرداخته‌اند.</p>	۱۳۹۹	<p>شناسایی مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت و تأثیر سنجی آن بر امنیت جمهوری اسلامی</p>	<p>رضا شاهقلیان قهفرخی و باقر سلیمانی</p>	۴
<p>ارائه سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی ایران با استفاده از نظریه کارگزار و ساختار</p>	۱۳۹۸	<p>سناریوهای آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰</p>	<p>محمد رحیم عیوضی و فرشته میرحسینی</p>	۵
<p>این مقاله با بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌پژوهی شامل روند پژوهی و از راه برهم‌کنش روندها و پیشران‌ها، به سناریوپردازی در مورد وضعیت آینده غرب آسیا و حضور گروه‌های تکفیری در آن اشاره کرده است.</p>	۱۳۹۷	<p>آینده‌پژوهی گروه‌های تکفیری و تأثیر آن‌ها بر منازعات منطقه‌ای در غرب آسیا</p>	<p>مسعود اخوان کاظمی و همکاران</p>	۶
<p>این پژوهش با استفاده از نظریه نظام جهانی به تحلیل محور مقاومت و بازیگران و گفتمان‌های حاکم بر آن پرداخته است.</p>	۱۳۹۷	<p>بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه جهانی</p>	<p>سید زکریا محمودی رجا و همکاران</p>	۷

پژوهشگران ضمن تحلیل روندهای آینده مقابله با تروریسم، به بررسی و تشریح آینده‌های محتمل و مطلوب منطقه غرب آسیا پرداخته‌اند.	۱۳۹۶	آینده‌پژوهی خاورمیانه طی سه دهه آینده	زهرا آقامحمدی و محمدعلی بصیری	۸
بررسی سناریوهای آینده حکمرانی دموکراتیک در آسیا با استفاده از رویکرد تحلیل علی لایه‌ای	۲۰۱۴	مقاله چشم‌اندازها و سناریوهای حکمرانی دموکراتیک در آسیا ۲۰۳۰	سهیل عنایت‌الله و همکاران	۹
بررسی سناریوهای آینده حکمرانی در کشورهای غرب آسیا، چارچوب‌های حکمرانی، مؤلفه‌های متنوع آن و آینده قابل‌تصور برای این منطقه	۲۰۰۰	کتاب سناریوهای آینده حاکمیت غرب آسیا ^۲	ادوین لستر و روئیز جی	۱۰

جدول ۱: بررسی پیشینه پژوهش

- ضمن بررسی پیشینه پژوهش که بخشی از آن در جدول ۱ ارائه شد، نکات زیر به‌صورت خلاصه قابل‌مشاهده و حائز اهمیت است:
- توجه ویژه برخی پژوهشگران غربی به منطقه غرب آسیا و تحولات قبل و آینده این منطقه؛
 - اهمیت بررسی مؤلفه‌های قدرت در غرب آسیا در استحکام امنیت ملی جمهوری اسلامی؛
 - توجه به بازیگران فعال جبهه مقاومت و نقش آینده‌بازیگران موافق و مخالف در این جبهه؛
 - ضرورت و تأکید بر شناخت‌شناسی منافع متقابل در محور مقاومت؛
 - بی‌توجهی اکثر کتب و مقالات نوشته‌شده به رویکرد آینده‌نگاری وضعیت محور مقاومت؛
 - رویکرد غالب پژوهش‌های انجام‌شده توصیفی است تا تجویزی؛
 - نبود تصویرسازی ویژه از آینده وضعیت غرب آسیا در پژوهش‌ها؛
 - اقدامات تجویزی مؤثری برای نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در آینده این منطقه بیان نشده است.

¹ Visions and scenarios of democratic governance in Asia 2030

² Future scenarios of West Asian governance

در مجموع می‌توان ادعا کرد توجه به رویکرد آینده‌نگاری راهبردی و شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار درباره آینده جبهه مقاومت در پیشینه پژوهش‌های قبلی وجود ندارد. همچنین مشخص شد پژوهشی که ضمن شناسایی متغیرهای مرتبط با چرایی و پیدایی جبهه مقاومت، با استفاده از آینده‌نگاری راهبردی به اولویت‌دهی و بررسی تأثیر متقابل این متغیرها بر روی هم و سپس استخراج عوامل کلیدی اثرگذار پردازد، در کشور انجام نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر، هم در حوزه موضوع و هم روش پژوهش، منحصر به فرد است.

۴. ادبیات مفهومی

نظام بین‌الملل به‌عنوان امری پویا همواره در حال تغییر است. تا ورود به قرن بیستم، جهان سیاسی در شرایطی قرار داشت که نظام خاصی بر کل آن حاکم بود؛ اما پس از جنگ جهانی دوم، کشور آمریکا و روسیه جهان را به دو قطب تقسیم کردند و بلوک شرق و غرب را به وجود آوردند. این جهان دوقطبی تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ادامه داشت. پس از افول قدرت روسیه، آمریکا تنها کشور قدرتمند در عرصه جهانی باقی ماند و تقریباً کل دنیا را در سیطره تصمیمات و قدرت خویش، به‌ویژه در عرصه نظامی قرار داد. در این میان خاورمیانه در کانون توجه آمریکا قرار گرفت و جالب‌تر اینکه، هژمونی تک‌قطبی در خاورمیانه به مرحله بلوغ رسید؛ یعنی بستری ایجاد کرد تا نظام تک‌قطبی به مرحله بلوغ خود برسد و آن حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم بعث و اشغال این کشور بود. با وجود این، باید توجه داشت که این نظام نیز مانند سایر نظام‌های سیاسی دنیا تغییر می‌کند. نشانه‌های تغییر نظام تک‌قطبی در جهان با نمایان شدن قدرتهای نوظهور در حال شکل‌گیری است و این روند در خاورمیانه نیز با پیشاهنگی چین، به‌ویژه در عرصه تجاری و اقتصادی در جریان است (حیدری فر، ۱۳۹۹).

بسیاری از اندیشمندان روابط ایالات متحده و جمهوری خلق چین را مهم‌ترین روابط دوجانبه از منظر تأثیرات و پیامدهای آن بر آینده سیاست و نظام بین‌الملل تلقی می‌کنند. تلقی مزبور تا حدود زیادی صحیح به نظر می‌رسد، زیرا روابط پدیدار شده از یکسو در فضای پسا جنگ سرد رخ نموده است که دوران گذار را تجربه می‌کند و از سوی دیگر مسائل همگرایانه و واگرایانه متعددی در روابط جاری دو کشور وجود دارد که به نحوی بالقوه می‌تولند فرایندهای کلان بین‌المللی را از خود متأثر کند و بر موقعیت قدرت‌های برتر جهانی و آزادی عمل این دسته از کنشگران

قدرت طلب تأثیرات ژرفی را بر جای گذارد و دو کشور را به سمت یک نظام جهانی، با ماهیت مدل دو/ چندقطبی سوق دهد. از این رو، پایش تحولات روابط این دو کنشگر برتر می‌تواند در فهم روندهای کنونی و حتی آتی سیاست بین‌الملل مؤثر واقع شود. نکته مهم و قابل توجه این است که چون در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ و سیاست آن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، شناخت این سیاست‌ها و رفتارها برای جمهوری اسلامی ایران در راستای اتخاذ راهبردهای مطلوب و بهینه در عرصه سیاست خارجی بسیار مهم است (نوروزی و عله‌پور، ۱۴۰۰). در این میان با توجه به بروز نشانه‌های تغییر روند وضعیت نظام تک‌قطبی دنیا و شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای جدید با محور ترکیه و عربستان در منطقه غرب آسیا، ابتکار جمهوری اسلامی در تشکیل قدرت منطقه‌ای موافق با سیاست‌های خارجی خویش و با عنوان محور مقاومت، از نقاط عطف وقایع شکل‌گرفته در این منطقه است. محور مقاومت پیش از اینکه جبهه‌ای برای مقابله با تعدی‌گری قدرت‌های مختلف در غرب آسیا باشد، نویدبخش تغییر موازنه قدرت بین‌المللی و افول نظام تک‌قطبی کنونی است.

۴-۱. محور مقاومت

واژه محور مقاومت از دو منظر تعریف می‌شود: نخست اینکه، محور مقاومت یک «ائتلاف ژئوپلیتیک» منطقه‌ای و مرکب از مجموعه بازیگران دولتی ایران، سوریه و عراق و غیردولتی (حزب‌الله، حماس، انصار الله و جهاد اسلامی) است که دارای منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک هستند. تعریف دوم، گفتمانی است و مهم‌ترین وجوه اثباتی و ایجابی تعریف گفتمان مقاومت، وجوهی چون عدالت‌خواهی، اسلام‌خواهی، صلح‌طلبی، حق‌طلبی، اقتدار و عزت، آزادی و استقلال‌طلبی، توجه ویژه به عقلانیت، معنویت‌گرایی و آرمان‌گرایی در کنار واقع‌بینی است (سلیمی و شریعتی، ۱۳۹۳، ص. ۷۳).

۴-۲. اعضای اصلی محور مقاومت

اعضای اصلی محور مقاومت بازیگرانی هستند که مبنای مبارزه آن‌ها با رژیم صهیونیستی ایدئولوژیک است و آرمان فلسطین نقش محوری را در آن ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله لبنان، مقاومت اسلامی در عراق، حماس و جهاد اسلامی اعضای اصلی محور مقاومت هستند.

۴-۳. اعضای پیوسته محور مقاومت

اعضای پیوسته محور مقاومت بازیگرانی هستند که حضور آن‌ها در محور مقاومت بیش از آنکه دلایل ایدئولوژیکی داشته باشد، مبنای امنیتی و ژئوپلیتیکی دارد. دولت سوریه و دولت عراق اعضای پیوسته محور مقاومت هستند.

۵. روش‌شناسی پژوهش

۵-۱. نوع و رویکرد پژوهش

یک پژوهش می‌تواند چند هدف و رویکرد مختلف داشته باشد. گاهی هدف از انجام آن، حل کردن یک مسئله یا چالش مرسوم و موجود در محیط کار و گاه ارتقای دانشی در حوزه‌ای خاص مدنظر است و زمانی هم می‌خواهد به بررسی آثار و طرح‌های پیشنهادی یا پژوهش‌های کاربردی و پژوهش‌های توسعه‌ای قبلی بپردازد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۲). این پژوهش از نظر تقسیم‌بندی نوع آن جزء پژوهش‌های کاربردی به شمار می‌رود و در آن تلاش شده با استفاده از زمینه و بسترهای شناختی و معلومات موجود، از نتایج حاصله برای رفع ابهامات و نادانسته‌ها و توسعه کاربردی موضوع موردپژوهش، استفاده شود. همچنین این پژوهش با رویکرد کیفی در پی گردآوری داده‌ها به منظور مفهوم‌سازی و ارائه تحلیل‌های تجویزی است.

۵-۲. روش‌های گردآوری

خلیلی شورینی (۱۳۸۹) روش‌های گردآوری داده‌ها را به دو دسته کلی تقسیم کرده است:

- روش میدانی (پرسشنامه باز و بسته، ذهن‌گیری، فن گروه اسمی و ...)
- روش کتابخانه‌ای علمی و تخصصی (کتاب‌های علمی و تخصصی در زمینه پژوهش، مقالات علمی و پژوهشی، اسناد و مدارک دسته اول، آرشیوهای اسنادی پایگاه‌های اینترنتی دانشگاهی و علمی و همایش‌های علمی برگزارشده و ...).

در این پژوهش از هر دو دسته ابزار استفاده شده است: با بهره‌گیری از منابع معتبر ذیل رویکرد کتابخانه‌ای و مرور اسنادی، ادبیات اولیه تحقیق تهیه گشته و با گردآوری داده‌ها از روش‌های میدانی (پرسشنامه نیمه ساختاریافته و پنل خبرگان) به‌عنوان روش‌های مکمل، مورد تقویت قرار گرفته است.

۵-۳. جامعه و نمونه آماری

با توجه به اهمیت این پژوهش و اینکه یکی از اهداف اصلی پژوهش بسط نگاه راهبردی سیاست‌گذاران و پژوهشگران علاقه‌مند به ظرفیت نا اندیشیده در خصوص

عوامل کلیدی و مؤثر بر چرایی و پیدایی محور مقاومت بوده، شناسایی خبرگان مؤثر و کارآمد نقش بسزایی داشته است. به همین منظور جامعه آماری این پژوهش مجموعه‌ای از صاحب‌نظران و خبرگانی هستند که توانایی کمک تحلیلی به اهداف پژوهش را داشته باشند. ویژگی‌های مدنظر برای خبرگان جامعه آماری طرح به قرار زیر بوده است:

- داشتن نگاه راهبردی و عمیق به موضوع تحقیق؛
- داشتن تحصیلات عالی در حوزه‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و آینده‌پژوهی؛
- داشتن سابقه پژوهشی و مقاله یا تألیف به‌منظور درک بیشتر و عمیق‌تر هدف از انجام پژوهش.

همچنین با توجه به اینکه نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی و کمی تفاوت بسیاری دارد و اینکه نوع پژوهش حاضر کیفی بوده است، مشارکت‌کننده در پژوهش با انتخاب هدف‌دار پژوهشگران و با دعوت به همکاری وارد چرخه پژوهش شده است. این نوع نمونه‌گیری که نمونه‌گیری هدفمند یا غیراحتمالی نیز نامیده می‌شود، با انتخاب هدف‌دار نمونه‌های مرتبط با پژوهش و به‌منظور کسب معلومات و دانش مورد نیاز به انجام می‌رسد و در این روش برخلاف پژوهش کیفی، پایان نمونه‌گیری بر اساس اشباع داده‌ها خواهد بود و در جایی که کد جدیدی وارد پژوهش نشود، نمونه‌گیری متوقف خواهد شد (رنجبر، ۱۳۹۱).

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند (انتخاب آگاهانه افراد برای پژوهش توسط پژوهشگر) و تعداد محدودی از افراد نمونه استفاده شده است. با توجه به محدود بودن تعداد افراد خبره در این حوزه و همچنین ویژگی‌های مدنظر برای جامعه آماری، از دیدگاه‌های چهار نفر از استادان دانشگاه‌های علامه طباطبائی، دانشگاه عالی دفاع ملی و مدیران دولتی شاغل در وزارت کشور و امور خارجه استفاده گردید.

۴-۵. آینده‌نگاری راهبردی

آینده‌نگاری در پی روشن کردن و مشخص ساختن این امر است که هر یک از اقدامات و تصمیمات در زمان حاضر پس از گذشت زمان، به چه آینده‌های ممکن یا احتمالی منجر خواهند شد و در این راستا و برای رسیدن به آینده‌های مطلوب و مدنظر، چگونه باید حرکت کرد. در گذشته و قبل از گسترش علم آینده‌پژوهی در رویکردهای کلاسیک و سنتی نگاه به آینده، می‌توان ادعا کرد که هدف اصلی فقط

پیش‌بینی یک آینده بوده و آن آینده هم اهمیت یا مقبولیت داشته است، اما در رویکردهای نوین و در حوزه‌های دانشی جدید آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری، بحث از انواع آینده‌های قلیل‌تصور به میان می‌آید. این آینده‌ها می‌توانند دسته‌بندی‌های مختلفی داشته باشند که از آن‌ها با عناوینی چون آینده‌های «چندگانه» یا «جایگزین» نام برده می‌شود (Gordon, 1994).

یکی از مسیرهای توسعه این مفاهیم در کشور فرانسه اتفاق افتاده که امروز با عنوان «پراسپکتیو»^۱ شناخته شده است. در زبان انگلیسی به‌عنوان واژه جایگزین و معادل آن، عبارت «آینده‌نگاری راهبردی»^۲ را به کار می‌برند. در تعریفی ساده، آینده‌نگاری راهبردی رویکردی هنجاری و به‌طور هم‌زمان توصیفی است که ارتباط نزدیکی هم با مدیریت راهبردی دارد. در این میان «میشل گوده»^۳ آینده‌پژوه معاصر فرانسوی، یکی از این روش‌های نظام‌یافته این رویکرد را در قالب مجموعه‌هایی از نرم‌افزارهای کاربردی معرفی کرده است (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶).

۵-۵. روش تحلیل ساختاری و تأثیر متقابل

«تئودور گوردون»^۴ و «هلمر»^۵ روشی با عنوان «مدل‌های ساختاری تأثیرات متقابل» را در سال ۱۹۶۶ پدید آوردند؛ روشی که اکنون یکی از روش‌های پیشرفته و مبنای سناریونویسی در تحقیقات آینده‌پژوهی است. روش یادشده بر اساس این سؤال بنا نهاده شده است که «آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد؟» (Gordon, 1994). در بیشتر رویکردهای علمی از تحلیل تأثیر متقابل به‌منظور بررسی احتمال سناریوها استفاده می‌شود. در این راستا گام‌هایی تعریف و مجموعه نرم‌افزارهایی برای تسریع و ساده کردن اجرای هر یک از گام‌ها تهیه شده است که نمونه‌ای از آن، بسته نرم‌افزاری «میک‌مک»^۶ است (Godet et al., 2003). در این پژوهش با توجه به اینکه شناخت مسائل چرایی و پیدایی جبهه مقاومت از اهمیت زیادی برخوردار بود، روش تحلیل ساختاری انتخاب و از نرم‌افزار میک‌مک برای شناسایی مسائل کلیدی و چگونگی روابط بین آن‌ها استفاده شده است.

¹ Prospective

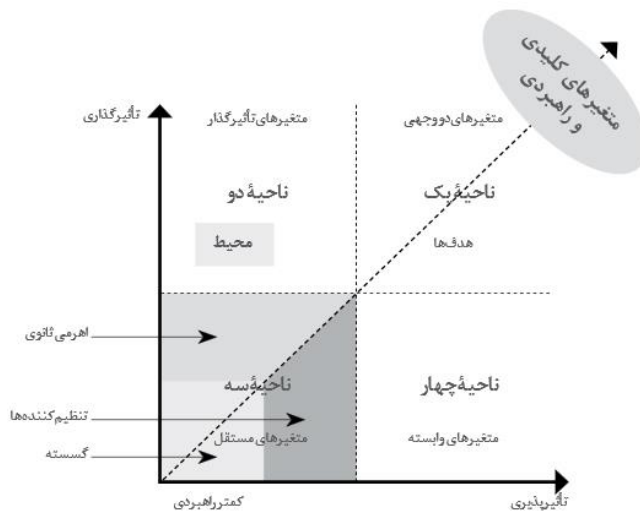
² Strategic Foresight

³ Michel Godet

⁴ Gordon

⁵ Helmer

⁶ MicMac



شکل ۱: مختصات تحلیل تأثیر متقابل متغیرها

۵-۶. محدودیت‌های پژوهش

با توجه به شرایط حاکم بر زمان پژوهش و مصادف شدن آن با شیوع بیماری کرونا و ایجاد محدودیت‌های اجتماعی و فاصله‌گذاری در کشور، تعامل با خبرگان و پنل‌های خبرگی با استفاده از ابزارهای ارتباطی برخط در اینترنت انجام شده است.

۶. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها

۶-۱. گام‌های فرایند انجام پژوهش و یافته‌ها

در گام نخست، پس از مطالعه اسنادی و بررسی ادبیات تحقیق، تعداد ۴۷ مسئله اولیه مرتبط با چرایی و ۴۶ مسئله مرتبط با پیدایی جبهه مقاومت شناسایی شد. مسائل اولیه شناسایی‌شده در جدول ۲ قابل مشاهده است. در گام دوم پژوهش، خبرگان باید به اهمیت و اولویت هر کدام از این مسائل امتیاز می‌دادند؛ بنابراین با استفاده از طیف لیکرت، خبرگان به اولویت و اهمیت هر کدام از مسائل، در محدوده صفر (معادل بی‌اهمیت) تا عدد ۳ (معادل اهمیت بسیار زیاد) امتیاز دادند و نتایج اولیه استخراج گشت. با توجه به پراکندگی محل جغرافیایی خبرگان مشارکت‌کننده در طرح، برای تسهیل در ارتباط‌گیری با آنان و سرعت بخشی به انجام پژوهش، فرم‌های الکترونیکی و پرسشنامه‌های لازم در بستر اینترنت تهیه شد و خبرگان نظرات خود را از این طریق منعکس کردند.

ردیف	چرایی محور مقاومت	پیدایی محور مقاومت
۱	مبانی اعتقادی و دینی	شکل‌گیری بیرونی و مشهود جبهه مقاومت اسلامی
۲	اشارات صریح قرآنی به حمایت از مظلومین	تقویت قدرت نظامی
۳	سنت رسول‌الله و ائمه معصومین علیهم‌السلام در حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم	وجود اعضا و بازیگران اصلی در محور مقاومت مانند حزب‌الله لبنان و مقاومت اسلامی فلسطین
۴	آزادی‌خواهی	وجود اعضای پیوسته به محور مقاومت مانند دولت‌های عراق و سوریه
۵	توسعه قلمرو سیاسی کشور	شکل‌گیری شبکه‌های ضد استکبار در منطقه
۶	افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	افزایش گروه‌های شبه‌نظامی و غیردولتی در منطقه و همسو با محور مقاومت
۷	قدرت‌طلبی جمهوری اسلامی ایران	ایجاد نماد ایستادگی و پایداری در منطقه
۸	یارگیری در منطقه	ایجاد پل لجستیک محور مقاومت در سوریه
۹	تهدید دشمنان در منطقه	ظهور هسته‌های کوچک و متعدد مقاومت در کشورهای منطقه
۱۰	فروریختن هژمونی غرب	افزایش مطالبات عدالت‌خواهی در بین ملت‌های منطقه غرب آسیا
۱۱	عواطف انسانی	ظهور بیداری اسلامی
۱۲	توسعه قلمرو سیاسی کشور	تشکیل ائتلاف سازش و ضد محور مقاومت
۱۳	مقابله با تهدیدات خارجی	اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه
۱۴	خنثی کردن توطئه‌های بیرونی علیه جمهوری اسلامی ایران	خیزش‌های ملت‌های منطقه برای تشکیل حکومت اسلامی
۱۵	منافع اقتصادی کشور	استقرار فرهنگ پایداری در منطقه

فروپاشی هژمونی نظام سلطه در منطقه و خروج مقطعی از برخی کشورها	فروش سلاح و تسلیحات	۱۶
بروز سلفی‌گری افراطی برای مقابله با محور مقاومت	دعوت کشورهای محور مقاومت از ایران	۱۷
افزایش محبوبیت نسبی سران جبهه مقاومت در بین مردم منطقه	اخراج مصادیق استکبار از منطقه غرب آسیا	۱۸
تمرکز نسبی قدرت نظامی کشورها و گروه‌های غیردولتی محور مقاومت	توسعه قلمرو و کمربند امنیتی کشور	۱۹
گسترش تعهد ایدئولوژیک محور	تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای	۲۰
ظهور هویت جدید مقاومت در نظام بین‌الملل	توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان	۲۱
خیزش رسانه‌ای در منطقه در قالب بیداری اسلامی یا بهار عربی	اعتمادسازی برای کشورهای دوست	۲۲
شکل‌گیری قدرت‌های نوظهور در دل برخی کشورهای منطقه و همسو با جریان محور مقاومت	ایجاد امنیت پایدار در منطقه	۲۳
کاهش میزان حضور بیگانگان در منطقه	ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه	۲۴
افزایش شاخص‌های دموکراتیک در کشورهای عربی منطقه	تقویت استقلال کشور	۲۵
بروز شاخص‌ها و علامت‌های فرهنگ دفاع مقدس در کشورهای منطقه	عمل به قاعده وجوب دفع ضرر	۲۶
الگوگیری برخی کشورها و ملت‌ها از نمادهای محور مقاومت و رهبران آن	استدلال منطقی و عقلی برای دور کردن خطر از مرزها	۲۷
ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت	توسعه سرحدات جمهوری اسلامی ایران	۲۸
توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب	ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی در بین کشورهای منطقه	۲۹
اشاعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به رژیم صهیونیستی	ایجاد ثبات و امنیت پایدار در منطقه	۳۰

شکاف در سیاست‌های منطقه‌ای کشورهای ضد مقاومت	مقابله با زیاده‌خواهی کشورهای منطقه مانند عربستان و ترکیه	۳۱
استحکام و شکل‌گیری شبکه نظامی قدرتمند محور مقاومت	حذف رژیم صهیونیستی	۳۲
نزدیک شدن روابط روسیه و همکاری‌های آن با محور مقاومت	ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای	۳۳
رشد فرهنگ مهدویت و آرمان‌گرایی اسلامی در بین ملت‌های منطقه	ایجاد هلال شیعی	۳۴
رشد ظلم‌ستیزی در بین ملت‌های مسلمان و غیرمسلمان منطقه	تغییر معادلات ژئوپلیتیک در منطقه	۳۵
رشد چشمگیر قدرت نرم و سخت جمهوری اسلامی ایران	حفظ و توسعه نیروی خودی در منطقه	۳۶
انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه	ایجاد ثبات در فروش نفت و درآمدزایی	۳۷
انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای	مقابله با عملیات روانی و رسانه‌های دشمن	۳۸
تعریف منافع مشترک برای اعضای اصلی و همکار محور مقاومت	ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و منطقه‌ای	۳۹
رشد مبادلات اقتصادی اعضای محور	ایجاد و توسعه پیمان‌های دو یا چندجانبه بین کشورهای عضو	۴۰
تمرکز انرژی در بین کشورهای محور و امکان ایجاد کارتل‌های اقتصادی مستقل	ایجاد فرصت برد-برد برای تأمین منافع امنیتی کشورهای منطقه به‌صورت مشارکتی	۴۱
شکل‌گیری جغرافیای اسلامی در محور مقاومت علی‌رغم تفاوت در زبان و مذهب	تقویت اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای	۴۲
افزایش فعالیت نخبگان در ظرفیت‌سازی و راهبردپردازی در منطقه	مقابله با تروریسم و افراطی‌گری در منطقه	۴۳
شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه	توسعه خدمات مستشاری جمهوری اسلامی ایران	۴۴

تضعیف اقتدار نظام سلطه و ایجاد چالش‌های متعدد برای آن	تغییرات اقلیمی و ظهور چالش‌های زیست‌محیطی در منطقه	۴۵
ایجاد جنگ‌های رسانه‌ای و شناختی در منطقه علیه محور مقاومت	شبکه‌های اجتماعی و نقش آن‌ها در بحران سازی در منطقه	۴۶
-	مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده	۴۷

جدول ۲. مسائل شناسایی‌شده در فاز اول پژوهش

در پایان گام دوم، بعد از آنالیز امتیازات خبرگان به متغیرهای شناسایی‌شده بالا مشاهده شد که بیش از ۶۰ درصد از خبرگان، ۱۵ آیت‌م را مهم‌ترین مسائل مرتبط با مفاهیم چرایی و پیدایی محور مقاومت تلقی کرده و روی آن اتفاق نظر داشته‌اند. با توجه به اینکه در گام‌های بعدی بایستی ماتریسی تشکیل و در آن تحلیل تأثیرات متقابل متغیرها بر روی هم توسط خبرگان مشخص می‌شود، برای ساده‌تر شدن ماتریس و معقول بودن حجم کار پژوهش، همان ۱۵ آیت‌م ملاک ادامه کار قرار گرفت (جدول ۳).

ردیف	نوع	عنوان مسئله (متغیر)
۱	چرایی	مبانی اعتقادی و دینی
۲		افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران
۳		مقابله با تهدیدات خارجی
۴		منافع اقتصادی کشور
۵		تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای
۶		توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان
۷		ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه
۸		ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای
۹		مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده
۱۰	پیدایی	شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه
۱۱		انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه
۱۲		انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای

توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب	۱۳
ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت	۱۴
اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه	۱۵

جدول ۳: با اولویت‌ترین متغیرهای شناسایی شده از دید خبرگان در اتمام فاز اول پژوهش

در گام سوم اجرای پژوهش، امتیازدهی به اثر متقابل با اولویت‌ترین مسائل شناسایی شد و در دستور کار قرار گرفت و مجدداً طی تعامل با خبرگان از آنان خواسته شد به اثر متقابل هر مسئله بر سایر مسائل امتیاز دهند. در این گام، وضعیت هر مسئله در ارتباط با ۱۴ مورد دیگر مورد بررسی قرار گرفته و هر خبره با توجه به سابقه علمی و نظر تخصصی خود، به نقش هر مسئله و میزان تأثیرگذاری آن بر سایر مسائل نظر داده است. به منظور تحلیل داده‌های پژوهش، امتیازات خبرگان در گام سوم وارد نرم‌افزار میک‌مک شد و در نرم‌افزار مورد ارزیابی قرار گرفت.

بر اساس نتایج به دست آمده، درجه پرشدگی ماتریس 38.4 درصد بوده است که نشان می‌دهد عوامل انتخاب شده در کمتر از نیمی از موارد بر یکدیگر تأثیر داشته‌اند. در جدول ۴ تحلیل داده‌های ماتریس و آماره‌های آن قابل مشاهده است که در آن تعداد ۱۵۵ رابطه کاملاً بی‌تأثیر گزارش شده است و نشان می‌دهد در روابط دوجه‌دو، این مسائل نه بر هم اثری دارند و نه اثری می‌پذیرند. ۳۵ مورد رابطه با تأثیر کم، ۲۳ رابطه با تأثیر متوسط و ۱۲ رابطه با تأثیر زیاد گزارش شده است.

درجه پرشدگی	جمع	توانمندساز (تعداد سه)	تقویت‌کننده (تعداد دو)	تقویت کم (تعداد یک)	بدون تأثیر (تعداد صفر)	تعداد تکرار	ابعاد ماتریس
38.4٪	225	۱۲	۲۳	۳۵	۱۵۵	۲	۱۵*۱۵

جدول ۴: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس

بر اساس شاخص‌های آماری، ماتریس با دو مرحله چرخش، بهینه‌شده و درجه مطلوبیت داده‌های آن به ۱۰۰ رسیده است. این امر نشان‌دهنده روایی قابل قبول پرسشنامه و پاسخ آن است. بررسی آثار متغیرها بر روی هم باعث می‌شود میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر متغیر مشخص شود و یک سیاست‌گذار یا برنامه‌ریز در بُعد کلان موضوع، می‌تواند از این میزان اثرگذاری یا اثرپذیری، نقاط قوت و ضعف مسئله را شناسایی یا از متغیرهای اثرگذار استفاده کند تا بیشترین تأثیر بر موضوع مدنظر

ایجاد شود و متغیرهای اثرپذیر را مدیریت کند تا کمترین آسیب‌پذیری را در خصوص موضوع مدنظر شاهد باشد. با توجه به اینکه موضوع اصلی این پژوهش بررسی چرایی و پیدایی محور مقاومت بوده است از نتایج حاصل شده می‌توان متغیرهای آسیب‌پذیر با ضریب اثرپذیری زیاد را شناسایی و به‌عنوان نقطه‌ضعف محور مقاومت، مورد توجه قرار داد. همچنین متغیرهایی با اثرگذاری بالاتر در محور مقاومت، ظرفیت لازم را برای ایجاد نقش‌آفرینی در این محور دارند و از آن‌ها می‌توان به‌عنوان نقاط قوت و متغیرهایی استفاده کرد که صحنه فعلی را در آینده تغییر دهند.

۲-۶. تحلیل ساختاری

در روش تحلیل ساختاری با سه نوع دستاورد مواجه هستیم. در ابتدا با تشکیل ماتریس آثار مستقیم، متغیرهای با اولویت و اثرگذاری بالا به همراه متغیرهای وابسته مشخص می‌شوند. دوم، با محاسبه فاصله‌های درجه متغیرها، مهم‌ترین متغیرهایی که قابلیت اثرگذاری و وابستگی غیرمستقیم دارند مشخص شده، در مرحله نهایی، با افزودن داده‌های مربوط به تأثیرات احتمالی متغیرها بر یکدیگر، وابستگی‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها شناسایی می‌شوند. نحوه توزیع و جایگیری متغیرها در صفحه نمودار، میزان پایداری یا درجه ناپایداری سیستم را برای تحلیلگران مشخص می‌کند (Godet et al., 2003). در روش تحلیل و بررسی اثرهای متقابل متغیرها، به‌طور کلی به دو نوع پراکنش اشاره می‌شود که از این پراکنش‌ها با عناوین ۱- سیستم‌های پایدار و ۲- سیستم‌های ناپایدار نام برده و درباره آن‌ها بحث می‌شود (نمودار ۲). در سیستم‌های پایدار وضعیت پراکنش متغیرها به شکل «L» است و سه دسته متغیر مشاهده می‌گردد:

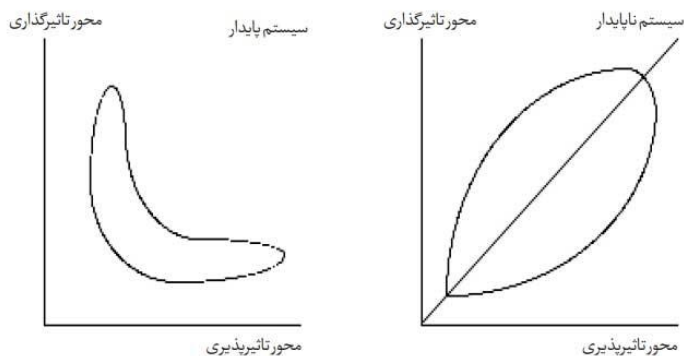
۱) متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم که از آن‌ها به‌عنوان عوامل کلیدی یاد

می‌شود؛

۲) متغیرهای مستقل؛

۳) متغیرهای نتیجه یا خروجی سیستم.

در سیستم‌های پایدار، جایگاه و نقش هر یک از عوامل و متغیرهای مرتبط با آن سیستم مشخص است. در مقابل این سیستم‌ها، سیستم‌های ناپایدار حضور دارند که شرایط آن‌ها پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. متغیرها در این سیستم، حول محور قطر رسم شده در نمودار پراکنده می‌شوند و در این حالت، ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی بسیار مشکل‌تر خواهد بود (Godet et al., 2003). در نمودار ۳ پراکنش و تفکیک سیستم‌های پایدار و ناپایدار به‌طور کامل قابل مشاهده است.



نمودار ۳: الگوی سیستم پایدار و ناپایدار

۳-۶. نقشه‌های اثرات

آرایه‌های مرتبط با ماتریس تحلیل ساختاری در نموداری دوبعدی رسم و تحلیل می‌شوند. در این نمودار، محور افقی بیان‌کننده مجموع امتیازات یک متغیر در یک سطر است و محور عمودی، مجموع امتیازات متغیر در ستون متناظر با آن را نشان می‌دهد. این یک ماتریس مقارن است؛ به همین دلیل با جمع جبری سطر و ستون و مقیاس‌بندی محورهای مختصات، می‌توان به هر متغیر، امتیازی متشکل از جمع سطری و ستونی آن اختصاص داد و آن را در یک فضای دوبعدی جانمایی کرد. هنگامی که نقشه اثرات متغیرها در نمودار ترسیم می‌شود، جمع سطری تأثیرگذاری یک متغیر بر همه متغیرهای دیگر و جمع ستونی هم تأثیرپذیری یا وابستگی متغیر بر متغیرهای دیگر را بازگو می‌کند (مولایی و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به نمودار ۱، ناحیه ۱، به متغیرهای راهبردی یا دوجوهی تعلق دارد؛ با این خاصیت که بسیار تأثیرگذار و همچنین بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کند. محل جایگیری آن‌ها در قسمت شمال شرقی نمودار است. این متغیرها به‌گونه‌ای هستند که هم قابل دستکاری و کنترل بوده و هم بر پویایی و مقدار تحول و تغییر سیستم تأثیر خواهند گذاشت؛ یعنی به تعبیر ساده‌تر شاخص‌های ناپایداری آن سیستم را تشکیل می‌دهند. متغیرهایی که در موقعیت بالای خط فرضی ترسیم‌شده قطری این ناحیه قرار می‌گیرند «متغیرهای ریسک» نامیده می‌شوند. این متغیرها و عوامل، امکان و ظرفیت تبدیل‌شدن به عوامل و بازیگران کلیدی را دارند و به همین منظور باید به آینده وضعیت آن‌ها توجه ویژه داشت؛ یعنی به‌سرعت تغییرات بر آن‌ها اثر می‌گذارد و آن‌ها نیز این تغییرات را خیلی سریع به متغیرهای وابسته در ناحیه ۲ منتقل می‌کنند. مدیران و سیاست‌گذاران به‌قدرت تولدایی تغییر در متغیرهای

قرار گرفته در ناحیه ۲ را دارند. متغیرهای حاضر در این ناحیه، در شمال غربی نمودار بوده، به عنوان بحرانی‌ترین مؤلفه‌ها، دارای بیشترین مقدار تأثیرگذاری و کمترین میزان تأثیرپذیری هستند. متغیرهای حاضر در ناحیه ۳ نمودار، مقدار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار کمتری دارند و به همین دلیل، با توجه به این خاصیتشان، متغیرهای راهبردی محسوب نخواهند شد. محل قرارگیری آن‌ها در نمودار نقشه اثرات متغیرها، در بخش جنوب شرقی است و در تحلیل نمودار، «متغیرهای مستقل و مستثنا» نامیده می‌شوند. متغیرهای مستثنا از دیگر متغیرها تأثیر نمی‌پذیرند، همچنین اثری بر آن‌ها ندارند. متغیرهای حاضر در ناحیه ۴ به سبب وابستگی زیاد به دیگر متغیرها خاصیت راهبردی ندارند. متغیرهای قرار گرفته در ناحیه ۱ متغیرهایی راهبردی هستند، این متغیرها هم قابلیت کنترل سیستم را دارند و هم بر سیستم تأثیر قابل قبولی می‌گذارند (طاهری دمنه و همکاران، ۱۳۹۳).

۴-۶. تحلیل اثرات مستقیم و متغیرهای مؤثر در آینده محور مقاومت

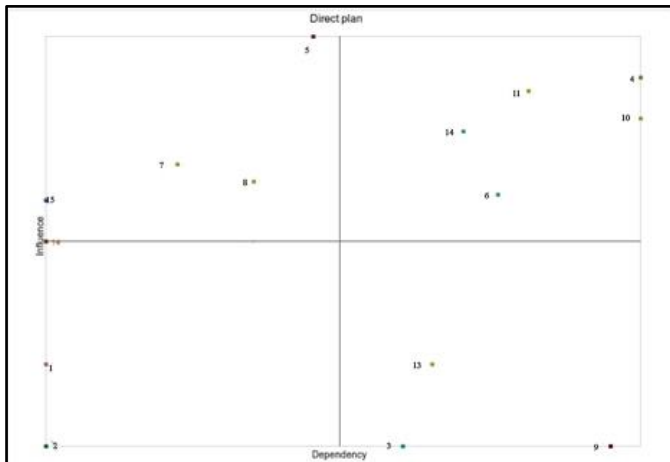
همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود میزان اثرگذاری (بیشترین عدد در تعداد سطرها) و اثرپذیری مستقیم (کمترین عدد در تعداد سطرها) برای هر مسئله مشخص است و «اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه» و «ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت» بیشترین اثرگذاری مستقیم را بر سایر مسائل داشته است. همچنین «منافع اقتصادی کشور» به همراه «انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای» و «مقابله با تهدیدات خارجی» در کنار «شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه» بیشترین میزان تأثیرپذیری مستقیم از مسائل دیگر مرتبط با محور مقاومت را دارند.

نام متغیر	تعداد سطرها	تعداد ستون‌ها
اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه	۱۴	۲۰
ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای	۱۲	۲۰
انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه	۱۰	۱۷
ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت	۱۳	۹
توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب	۹	۷
تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای	۶	۱۳
انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی	۴	۱۲

سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای		
شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه	۴	۱۹
مقابله با تهدیدات خارجی	۴	۰
منافع اقتصادی کشور	۴	۰
مبانی اعتقادی و دینی	۶	۰
ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه	۶	۰
توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان	۶	۰
مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده	۹	۰
افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران	۱۰	۰
جمع اثرات	۱۱۷	۱۱۷

جدول ۵: توصیف عددی میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم مسائل شناسایی‌شده

آنچه از وضعیت نمودار و نقشه پراکندگی مسائل مهم و مؤثر در چرایی و پیدایی محور مقاومت می‌توان فهمید (طبق نمودار ۳)، وضعیت ناپایداری سیستم است. با توجه به اینکه نمودار به شکل گلابی است و در آن مشاهده می‌شود که اکثر متغیرها حول محور قطری پراکنده شده‌اند و به‌جز چند عامل محدود که نشان‌دهنده تأثیرگذاری بالا در سیستم هستند، سایر متغیرها از وضعیت نسبتاً مشابهی در قبال هم برخوردارند.



۱: ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه	۶: افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی	۱۱: ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای
۲: انسجام افقی و عرض محور مقاومت	۷: مبانی اعتقادی و دینی	۱۲: توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌ها نسبت به آمریکا
۳: مقابله با تهدیدات خارجی	۸: تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای	۱۳: شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه
۴: ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت	۹: منافع اقتصادی کشور	۱۴: انسجام عمودی محور مقاومت
۵: مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده	۱۰: اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه	۱۵: توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان

نمودار ۴: نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم متغیرهای پژوهش

به این معنا، محور مقاومت در آینده وضعیت ناپایداری را تجربه خواهد کرد که ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی علل این ناپایداری خود نیازمند پژوهش‌های دیگری است و فرصتی مجزا را طلب می‌کند.

با توجه به نتایج، اکنون می‌توان تحلیل‌های مناسبی از مسائل مرتبط با آینده چرایی و پیدایی محور مقاومت در نظر گرفت. با تطابق نمودار ۴ بر نمودار ۱ و مقایسه آن دو، می‌توان برای هر متغیر، نوع اهمیت و محل قرار گرفتن آن در هر یک از ربع‌های نمودار ۴، تحلیل‌هایی را ارائه کرد. نکته مهم این است که متغیرهای قرارگرفته در ربع اول (بالا و سمت راست) نمودار همگی می‌توانند قابلیت پیشران را در محور مقاومت داشته باشند و از این لحاظ باید توجه بیشتری به آن‌ها کرد. بر این اساس، با تقسیم این متغیرها به سه دسته مسئله با عنوان‌های «راهبردی»، «اثرگذار» و «مستقل»، اکنون می‌توان با رویکرد تحلیل ساختاری، چرایی و پیدایی محور مقاومت را بهتر بررسی کرد. در جدول ۶ این مسائل در کنار هم دسته‌بندی شده‌اند.

جدول ۶: انواع مسائل شناسایی شده در خصوص چرایی و پیدایی محور مقاومت

نام متغیر / مسئله	نوع مسئله
<ul style="list-style-type: none"> • ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت • ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای 	راهبردی

<ul style="list-style-type: none"> • اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه • انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه • افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران 	
<ul style="list-style-type: none"> • مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده • توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب • توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان • مبانی اعتقادی و دینی • تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای 	اثرگذار
<ul style="list-style-type: none"> • مقابله با تهدیدات خارجی • منافع اقتصادی کشور • شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه 	اثرپذیر
<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه • انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای 	مستقل

۶-۴-۱. مسائل راهبردی

از نمودار ۴ می‌توان نتیجه گرفت مهم‌ترین مسائل مرتبط با محور مقاومت در آینده که بیشترین میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بر سایر مسائل دارند عبارت‌اند از: «ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت»، «ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای»، «اشاعه گفتمان ضد نظام سلطه»، «انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه» و «افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران». این موارد ظرفیت تبدیل شدن به مسائل کلیدی در آینده محور مقاومت را دارند. این موارد همچنین در مقایسه با سایرین دارای قدرت راهبردی بالاتری هستند و به همین دلیل می‌توانند ناپایداری را در سیستم رقم بزنند. به همین دلیل به‌طور هوشمندانه می‌توان از طریق توجه کافی به این موارد و بهبود و کنترل آن، ظرفیت‌های کارآمد و بسیار مؤثر برای محور مقاومت در آینده ایجاد کرد. بازیگران مؤثر در محور مقاومت، باید به این مسائل نگاه راهبردی داشته باشند و از آن‌ها به‌عنوان نقاط قوت برای تغییر موازنه در محور مقاومت در آینده استفاده کنند.

۶-۴-۲. مسائل اثرگذار

این مسائل اثرگذاری بسیار زیادی بر سایر مسائل در محور مقاومت دارند، اما تأثیرپذیری چندانی از سایر مسائل درون محور ندارند. موارد یادشده شامل «مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده» و «توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب» و همچنین «توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان» و «مبانی اعتقادی و دینی» و «تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای» هستند. این مسائلی ماهیتی محیطی دارند، یعنی مؤلفه‌هایی بحرانی هستند که به راحتی قابل کنترل نبوده، با تغییر در آن‌ها به شدت بر مسائل موجود در ناحیه ۴ اثر می‌گذارند.

بنابراین، اگر بنا باشد در محور مقاومت اثرگذاری بیشتری را در نظر داشته باشیم با تقویت این عناوین می‌توان انتظار داشت موفقیت بیشتری حاصل شود. این مسائل همچنین قابلیت تبدیل به مسائل راهبردی در آینده را دارند و در صورت فراهم شدن شرایط، می‌توانند نقش آفرین و تعیین کننده باشند. بر این اساس ضروری است کنشگران جبهه مقاومت، این مسائل را به درستی رصد کنند و برای آن برنامه و اقدام داشته باشند. این مسائل در آینده می‌توانند به عنوان برگ برنده مطرح شوند.

۶-۴-۳. مسائل اثرپذیر

«مقابله با تهدیدات خارجی»، «منافع اقتصادی کشور» و «شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه» از مسائل اثرپذیری هستند که بیشترین میزان تأثیرپذیری از سایر مسائل را در محور مقاومت دارند. با توجه به مبانی نظری اعلام‌شده در پژوهش، این مسائل به نوعی نقاط آسیب‌پذیر و ضعف را نشان می‌دهند و چون بیشترین اثرپذیری را در محور مقاومت دارند با کمترین تغییراتی در صحنه عمل، نفوذپذیری بسیاری از خود نشان خواهند داد. توجه به این مسائل نه به سبب توانایی نقش آفرینی، بلکه به سبب توانایی ایجاد ضعف و توقف در آینده، ضروری است. اگر به مشکلات و عوامل اثرگذار بر این عوامل توجه نکنیم در آینده می‌توانند نقشی غافلگیرکننده داشته باشند.

۶-۴-۴. مسائل مستقل

«ایجاد تمدن نوین اسلامی در منطقه» و همچنین «انسجام افقی و عرض محور مقاومت در هماهنگی سیاست‌ها در سطوح منطقه‌ای» از مسائلی هستند که در ناحیه ۳ قرار گرفته‌اند و به نوعی متغیرهای مستقل و مستثنا هستند. به عبارت دیگر این دو مسئله باعث توقف و ایجاد تغییری در سایر مسائل نخواهند شد. این دو مورد

به خودی خود کاملاً مستقل هستند و می‌توان آن‌ها را در تحلیل مسائل مرتبط با محور مقاومت حذف کرد. این دو عنوان می‌توانند مستقل از سایر مسئله‌های شناسایی شده مطالعه و بررسی شوند. علت کنار گذاشتن این مسائل بی‌اهمیت بودن آن‌ها نیست، بلکه میزان ارتباط و اتصال آن‌ها به سایر مسائل در دو دسته بالا ناچیز است. به دیگر سخن اگر با نگاه کلان و سیستمی به محور مقاومت بنگریم، مسائل راهبردی و مسائل اثرگذار به‌گونه‌ای در ساختار و بافتار محور مقاومت جا گرفته‌اند که تغییر در یکی باعث تغییر در موازنه و وضعیت دیگری خواهد شد؛ اما مسائل مستقل این‌گونه نبوده و تغییر یا حذف آن‌ها بر دو دسته دیگر اثر چندانی ندارد.

نتیجه‌گیری

صیانت از منافع ملی هر کشور، جزء وظایف و اهداف ترسیم‌شده سیاست خارجی آن کشور است و اگر قرار باشد به بررسی نحوه تأثیرگذاری اهداف ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در قبال جبهه مقاومت اسلامی بپردازیم و رابطه آن را با تأمین منافع و امنیت ملی^۱ کشور مورد تحلیل قرار دهیم، دارا بودن شناخت صحیح و واقع‌گرایانه از مفهوم منفعت ملی^۲ و امنیت ملی و چگونگی حفظ آن در سطحی قابل قبول، نقشی اساسی دارد. درباره مفهوم منافع ملی، تعاریف و نظریه‌های متفاوتی وجود دارد و در مجموع می‌توان گفت «منافع ملی شامل هدف‌های عام و ماندگاری هستند که یک ملت برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند». مطابق با این تعریف، منافع ملی، مفهوم وسیعی را در بر می‌گیرد که نه تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی و مرزهای جغرافیایی است، بلکه حیطة وسیع‌تری نظیر دستیابی به اهداف ایدئولوژیک، توسعه اقتصادی، نفوذ برون‌مرزی، دفاع از اتباع در ورای مرزها، دفاع از هویت فرهنگی و... را شامل می‌شود.

در چنین شرایطی دولت‌ها و حکومت‌ها برای تأمین و حفظ منافع ملی ناگزیرند بیش از گذشته، به محیط عملیاتی و متغیرهای مربوط به بستر جهانی‌شدن توجه کنند. به این ترتیب، با در نظر گرفتن موارد پیش‌گفته، نقش مهم مقاومت اسلامی و حمایت از جبهه مقاومت در راستای تأمین منافع و امنیت ملی کشور مشخص می‌شود؛ هرچند مشی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی و در قبال محور مقاومت و سایر نهضت‌های آزادی‌بخش و عدالت‌خواه، نگاهی بشردوستانه و در راستای اهداف ایدئولوژیک و مکتبی آن است؛ اما این امر، منافاتی با تأمین امنیت و

¹ National security

² National interest

منافع ملی کشور ندارد. بر این اساس، منافع ملی و امنیت ملی یک کشور و تأمین آن، فقط در مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود.

در این پژوهش با عنایت به مفروضات بالا، در گام نخست طی مرور اسنادی و بررسی پیشینه پژوهش، مسائل و متغیرهای مرتبط با چرایی و پیدایی محور مقاومت شناسایی شد و ۹۳ عنوان در این گام به دست آمد. در گام دوم با امتیازدهی خبرگان به میزان اهمیت و اولویت این مسأله، در خصوص ۱۵ مورد، اتفاق نظر و اجماع خبرگان حاصل گشت. در سومین گام فرایند پژوهش، با استفاده از تحلیل تأثیر متقابل هر مسئله بر سایر مسائل، سه دسته مسئله شناسایی شد که هر کدام خصوصیت و توانایی خاصی را داشتند (جدول ۶). در دسته نخست، مسائل راهبردی قرار گرفتند که به عنوان مسائل کلیدی محور مقاومت مطرح هستند و بیشترین میزان اثرگذاری را در آینده خواهند داشت. توجه به این مسائل باعث ایجاد تحول شگرف در محور مقاومت شده است و می‌توان از آن‌ها به عنوان «مسائل کلیدی و تحول ساز در آینده» نام برد. از نتایج این پژوهش مشخص شد، «شاعه گفتمان ضد نظام سلطه»، «ظهور و افزایش تعداد نخبگان محور مقاومت»، «ضرورت منطقی و عقلی دفاع منطقه‌ای» و «انسجام عمودی محور مقاومت در راهبردها و سیاست‌های امنیتی در منطقه» به همراه «افزایش اقتدار منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» بیشترین اثرگذاری مستقیم را بر سایر مسائل در آینده محور مقاومت خواهد داشت. در دسته‌بندی دوم، مسائل اثرگذار قرار دارند که در آینده قابلیت تبدیل شدن به نقش راهبردی را دارا هستند. این مسائل اثرگذاری بسیاری بر سایر مسائل در محور مقاومت دارند، اما تأثیرپذیری چندانی از سایر مسائل درون محور ندارند. موارد یادشده شامل «مقابله با جنگ‌های ترکیبی و سایبری آینده» و «توسعه دیدگاه‌های سلبی ملت‌های مسلمان نسبت به آمریکا و غرب» و همچنین «توسعه گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه و جهان» و «مبانی اعتقادی و دینی» و «تأمین اهداف امنیت ملی و منطقه‌ای» هستند. توجه به این موارد در آینده توان محور مقاومت را بیشتر و قدرت آن را تقویت می‌کند.

دسته سوم مسائل اثرپذیر شامل «مقابله با تهدیدات خارجی»، «منافع اقتصادی کشور» و «شکل‌گیری هسته‌های مردمی مقاومت در منطقه» هستند که بیشترین میزان تأثیرپذیری از سایر مسائل را در محور مقاومت دارند. بی‌توجهی به این مسائل باعث بروز غافلگیری راهبردی در آینده خواهد شد و چهارمین دسته مسائل مستقلاً

هستند که به‌تنهایی دارای اثراتی بوده، تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری چندانی از سایر مسائل ندارند.

از آنجایی که هدف اصلی این پژوهش بررسی چرایی و پیدایی مسائل مرتبط با محور مقاومت بود، با بررسی نتایج تحلیل ساختاری پژوهش، می‌توان به ارتباط هر مسئله با دیگری و نحوه تعدیل یا تقویت آن مسئله و اثراتی پرداخت که تغییر در آن بر روی سایر مسائل در آینده خواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر حاصل این پژوهش نگاهی سیستمی و کلان نسبت به مسائل موجود در محور مقاومت ایجاد می‌کند و از طریق نتایج پژوهش می‌توان ارتباط و میزان اثرگذاری یا اثرپذیری هر مسئله را با دقت قابل قبولی مشخص کرد. آنچه برای کنشگران اصلی در محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران مهم است، دیدبانی و آمادگی برای شرایط آینده این محور و حفظ پایداری آن مانند یک سیستم پویا است. نتایج این پژوهش نشان داد احتمال ناپایداری در این سیستم زیاد است و برای استقرار و تقویت محور و جبهه مقاومت، ضروری است با استفاده از رویکرد آینده‌نگاری راهبردی، نقاط ضعف (مسائل اثرپذیر) و نقاط قوت (مسائل راهبردی و اثرگذار) هم‌زمان مورد توجه باشد تا ضمن تقویت و توسعه این جبهه، از غافلگیری راهبردی در آن جلوگیری شود.

منابع

- حیدری‌فر، محمد رئوف (۱۳۹۹). ساختار چندقطبی و معادلات جدید منطقه غرب آسیا در سلسله‌مراتب روابط ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم (درس‌هایی از خاورمیانه). فصلنامه روابط خارجی، ۱۲ (۴)، ۶۷۵-۷۰۶.
- خلیلی شورینی، سهراب (۱۳۸۹). روش‌های پژوهش آمیخته. انتشارات دانش‌پژوه: تهران.
- دانایی‌فرد، حسن. الوانی، سید مهدی. آذر، عادل (۱۳۹۶). روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. چاپ دوازدهم، انتشارات صفار.
- ربانی، طاها (۱۳۹۱). کاربرد رویکرد آینده‌پژوهی و تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی توسعه شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رنجبر، هادی (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی. فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، (۲۵۰).
- زالی، نادر (۱۳۹۲). آینده‌نگاری راهبردی در برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای تهران. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلیمی، حسین. شریعتی، مجتبی (۱۳۹۳). منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تداوم یا انقطاع حمایت از نظام کنونی سوریه. فصلنامه سیاست دفاعی، (۸۹).
- شاهقلیان قهفرخی، رضا. سلیمانی، باقر (۱۳۹۹). شناسایی مؤلفه‌های حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت و تأثیرسنجی آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳ (۴۸).
- عمید زنجانی، عباس‌علی. توکلی، محمدمهدی (۱۳۹۱). مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، (۲۶).
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۹۹). شناخت‌شناسی منافع متقابل در محور مقاومت. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۲۱ (۴)، ۵-۳۰.
- قدیری، روح‌الله (۱۳۸۴). بررسی چند تجربه ملی در آینده‌نگاری، مجموعه مقالات دومین کنفرانس مدیریت تکنولوژی، تهران.
- مولایی، محمدمهدی. طالبیان، حامد. قراری، فریما (۱۳۹۶). تحلیل ساختاری به روش میک‌مک در آینده‌نگاری راهبردی. دو فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، (۱)۲.

ناظمی، امیر (۱۳۸۴). متغیرهای تأثیرگذار بر انتخاب حوزه‌های هدف یک پروژه آینده‌نگاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت تکنولوژی، دانشگاه علامه طباطبائی.

نوروزی، محسن. فیاضی، داوود. سیف، حامد (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر محور مقاومت با تأکید بر ناآرامی‌های اجتماعی عراق و لبنان. فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، ۱۹(۷۴).

نوروزی، محسن و عله‌پور، مهرداد (۱۴۰۰). آینده‌پژوهی رویکردهای ایالات‌متحده و چین در حوزه راهبردی ایندوپاسیفیک و راهکارهای تحصیل منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۳)، ۵۳۳-۵۷۰.

Godet, M. Meunier, M. Roubelat, F. (2003). Structural analysis with MICMAC method and actors' strategy with MACTOR method, Futures Research Methodology, No. 2.

Godet, M. (1994). From anticipation to action: a handbook of strategic prospective. UNESCO Publishing.

Gordon, Theodore. (1994), Trend Impact Analysis, AC/UNU Millennium project.

IISS institute, (2019). Iran's Networks of Influence in the Middle East. [Electronic Version]. Retrieved January 7, 2020, from <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier>.

Silva, M. (2015). A systematic review of foresight in project Management literature. Procedia Computer Science, 64, 792-799. doi: 10.1016/j.procs.2015